

پیش‌بینی تمایز یافتگی فرزندان بر اساس ساختار شخصیت و نگرش‌های ناکارآمد والدین
Prediction of differentiation of children based on personality structure and
dysfunctional attitudes of parents

Afsar Abagheri Meyari

Ph.D. student, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Counseling (Management and Accounting), Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran.

Farideh Dokaneifard *

Associate Professor, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Counseling (Management and Accounting), Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran.

f.dokaneifard@riau.ac.ir

Masoumeh Bebhooi

Assistant Professor, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Counseling (Management and Accounting), Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran.

افسر آباقری معیاری

دانشجوی دکتری، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و مشاوره (مدیریت و حسابداری)، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

فریده دوکانه‌ای فرد (نویسنده مسئول)

دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و مشاوره (مدیریت و حسابداری)، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

معصومه بهبودی

استادیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و مشاوره (مدیریت و حسابداری)، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

Abstract

The present study aimed to predict the differentiation of children based on the personality structure and dysfunctional attitudes of parents. The research method was descriptive-correlation. The statistical population included all parents who referred to counseling centers in Tehran and their children in 2021-2022. The sampling method was non-random and available, and 382 people were selected as a sample using the available sampling method. But finally, the data of 350 people were analyzed. To collect data from the short form of the self-differentiation questionnaire of Skowron and Friedlander (1988 DSI-SF), Costa and Neo-McCary's personality structure inventory (1985 NEO-FFI), and Wiseman and Beck's Dysfunctional Attitudes Scale (1978 DAS-26) were used. Multiple regression analysis was used to analyze the data. The findings showed that there was a significant relationship between the components of the personality structure and dysfunctional attitudes of parents with children's differentiation ($P<0.05$), and in total, they explain 56.3% of the variance of the children's differentiation variable ($P<0.05$). In general, it can be said that to promote self-differentiation, special attention should be paid to the role of parents' personality structure and their dysfunctional attitudes.

Keywords: Differentiation of Children, Personality Structure, Dysfunctional Attitudes.

چکیده

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی تمایز یافتگی فرزندان بر اساس ساختار شخصیت و نگرش‌های ناکارآمد والدین بود. روش پژوهش توصیفی - همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه والدین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر تهران و فرزندان‌شان در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بود. روش نمونه‌گیری به صورت غیر تصادفی و دردسترس بود که از این بین ۳۸۲ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری دردسترس به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. اما در نهایت داده‌های ۳۵۰ نفر مورد تحلیل قرار گرفت. برای جمع‌آوری داده‌ها از فرم کوتاه پرسشنامه تمایز یافتگی خود اسکورون و فریدلندر (۱۹۸۸ DSI-SF)، سیاهه ساختار شخصیت کاستا و نئومک‌کری (۱۹۸۵ NEO-FFI) و مقیاس نگرش‌های ناکارآمد وایزمن و بک (۱۹۷۸ DAS-26) استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که بین مؤلفه‌های ساختار شخصیت و نگرش‌های ناکارآمد والدین با تمایز یافتگی فرزندان رابطه معناداری وجود داشت ($P<0.05$) و در مجموع ۵۶/۳ درصد از واریانس متغیر تمایز یافتگی فرزندان را تبیین می‌کنند ($P<0.05$). به‌طور کلی می‌توان بیان داشت که برای ارتقای تمایز یافتگی خود باید به نقش ساختار شخصیت والدین و نگرش‌های ناکارآمد آنان توجه ویژه داشت.

واژه‌های کلیدی: تمایز یافتگی فرزندان، ساختار شخصیت، نگرش‌های ناکارآمد.

مقدمه

خانواده رکن اساسی جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است. شکل‌گیری این نهاد مقدس ناشی از پیوند زناشویی بین زن و مرد است (پاک‌نیت و روشن‌چسلی، ۱۳۹۷). با توجه به این امر که خانواده یکی از مهم‌ترین نهادها در جامعه محسوب می‌شود، بر این مبنا ورود هر عامل تنش‌زایی بر کارکردهای فرزندان شدیداً تأثیرگذار می‌باشد (لی و گو، ۲۰۲۳). در این زمینه، یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر و تأثیرگذار در رشد فرزندان میزان تمایز یافتگی^۲ آنان در زندگی خانوادگی و در تعامل با والدین است (سالرنو^۳ و همکاران، ۲۰۲۴). یکی از نفوذترین دیدگاه‌ها در این زمینه، نظریه‌ی تمایز یافتگی بوئن^۴ است که بر روابط اولیه فرد با خانواده اصلی تأکید دارد و آن را بر روابط بعدی و در آینده فرد مؤثر می‌داند. درجه‌ی ظهور تمایز یافتگی در هر فرد بیانگر میزان توانایی فرد برای جداسازی فرایند شناختی از فرایند احساسی (هیجانی) است که فرد تجربه می‌کند. از نظر بین‌فردی، تمایز یافتگی نشان‌دهنده مهارت فرد در هماهنگ کردن صمیمیت و استقلال، و از نظر درون‌فردی، نشان‌دهنده ظرفیت مقابله با استرس با آرامش است (پلگ و بونیل-نیسیم^۵، ۲۰۲۴). تمایز یافتگی بنیان‌های صمیمیت و پذیرش دوسویه در روابط مؤثر را ایجاد می‌سازد (یو^۶ و همکاران، ۲۰۲۰). در میان عوامل فردی یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های تمایز یافتگی فرزندان، ساختار شخصیت است (روسی و یاز-باتانرو^۷، ۲۰۲۳). بر اساس نظر روانشناسان ساختار شخصیت هر کدام از والدین نسبت به عوامل آسیب‌رسان و استرس‌زا متفاوت است، بر همین اساس روابط زوجی ناکارآمد و پر هرج‌ومرج در زوجین دارای اختلال شخصیت، باعث ایجاد مشکلاتی در روابط می‌شود (صفائی راد و همکاران، ۱۳۹۸). سیپوکین^۸ (۲۰۲۱) معتقد است که ویژگی‌های شخصیت از جمله عواملی هستند که بر میزان رضایتمندی از روابط زناشویی همسران اثرگذار است. برخی از ویژگی‌های شخصیت از ویژگی‌های دیگر در روابط انعطاف‌پذیرتر است. افرادی که دارای ویژگی‌های شخصیتی انعطاف‌ناپذیر می‌باشند و همچنین کسانی که نمی‌توانند پاسخ‌های خود را با تقاضای یک موقعیت خاص منطبق سازند فاقد مهارت‌های زندگی بوده و بدترین واکنش‌ها را به زندگی نشان می‌دهند (جانسون و شرمن^۹، ۲۰۲۰). نتایج بسیاری از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بین الگوهای برقراری افراد و ویژگی‌های شخصیت آنان با رضایت از رابطه ارتباط معنادار وجود دارد (چیس^{۱۰}، ۲۰۲۲).

از دیگر سو می‌توان در بروز عدم تمایز نیافتگی فرزندان به نوع نگرش‌های ناکارآمد والدین اشاره داشت (اولیچ^{۱۱} و همکاران، ۲۰۲۲). با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، تمایز یافتگی در فرزندان تحت تأثیر نگرش‌های ناکارآمد والدین است (واتسون و کلارک^{۱۲}، ۲۰۲۰). نگرش‌های ناکارآمد باورها و نگرش‌هایی هستند که می‌توانند با ایجاد افکار منفی در مورد خود، دیگران و آینده، منجر به افسردگی شوند و این نگرش‌ها بر سلامت روان کودکان تأثیر منفی می‌گذارد (کیرباش^{۱۳} و همکاران، ۲۰۲۴). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که شانس بروز اختلالات روانی طی یک سال، در صورت افزایش نمره‌های نگرش ناکارآمد به‌طور معناداری افزایش می‌یابد (یوکسل و بهادیر ییلماز^{۱۴}، ۲۰۲۰؛ آدام^{۱۵} و همکاران، ۲۰۲۰؛ راش^{۱۶}، ۲۰۱۹) به این ترتیب، نارسایی عملکرد تفکر از مهم‌ترین علل آشفتگی‌ها در نگرش منفی است (فراقی دستجرد و همکاران، ۱۳۹۹). لیو^{۱۷} (۲۰۰۳) در پژوهش خود نشان داد احساس ارزشمندی و نگرش‌های ناکارآمد والدین رابطه بین تجربیات والدینی و علائم افسردگی در فرزندان را واسطه‌گری می‌کند. کورودا^{۱۸} (۲۰۱۷) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بین نگرش‌های ناکارآمد و باورهای منفی در بزرگسالان جوان رابطه معنی‌دار وجود دارد. همچنین در این راستا نتایج مطالعات مختلف از جمله

1. Li & Guo
2. Differentiation
3. Salerno
4. Bowen
5. Peleg & Boniel-Nissim
6. Yu
7. Rossi & Diaz-Batanero
8. Cepukiene
9. Jonason & Sherman
10. Chis
11. Uhlich
12. Watson & Clark
13. Kirbaş
14. Yüksel & Bahadır Yılmaz
15. Adam
16. Rash
17. Liu
18. Kuroda

دلز-دل-کاستلار^۱ و همکاران (۲۰۲۱)، آریایی آذر و همکاران (۱۴۰۰)، رشیدی و همکاران (۱۴۰۰) نشان دادند تمایز یافتگی با ساختار شخصیت و نگرش های ناکارآمد رابطه معناداری دارد.

با نظر به این امر توجه به شکل گیری تمایز یافتگی فرزندان بر مبنای تعادل بین ابعاد شناختی و عاطفی در آنان حائز اهمیت تلقی می شود و بر همین اساس خلأ این گونه پژوهش های بنیادی علمی، از اهمیت و ضرورت بالایی برخوردار می باشد. با مشخص شدن متغیرهای پیش بین تمایز یافتگی فرزندان، می توان زمینه ای برای انجام پژوهش های مداخله ای را فراهم ساخت تا بدین طریق بتوان زمینه پیشگیری و اقدامات لازم در افزایش آگاهی، شناخت و اصلاح نوع ساختار شخصیت بر اساس نگرش های ناکارآمد آنان در ایجاد تمایز یافتگی فرزندان را مهیا ساخت. لذا بنا بر مطالب فوق و اهمیت موضوع در جامعه، پژوهش حاضر با هدف پیش بینی تمایز یافتگی فرزندان بر اساس ساختار شخصیت و نگرش های ناکارآمد در والدین مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر تهران در سال ۱۴۰۱ انجام شد.

روش

روش پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه والدین مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر تهران و فرزندان شان در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بود که تعداد آنها بالغ بر ۱۵۷۶ نفر بود. روش نمونه گیری به صورت در دسترس بود. حجم نمونه پژوهش با استفاده از نرم افزار G-POWER به تعداد ۳۸۲ نفر در نظر گرفته شد. معیارهای ورود به پژوهش شامل حداقل هفت سال زندگی مشترک، محدوده سن ازدواج بین ۳۰ تا ۴۵ سال به بالا، دارا بودن حداقل سواد سیکل به منظور پاسخ دهی به پرسشنامه های مذکور، عدم دریافت درمان های مختلف روان شناختی در زمینه بهبود نگرش های ناکارآمد، گذشت حداقل یک ماه از درمان های مختلف روان شناختی، عدم سابقه عارضه بیماری اعصاب و روان، عدم سابقه بستری در بیمارستان های اعصاب و روان، معیارهای خروج شامل انصراف از تکمیل پرسشنامه ها و پرسشنامه های مخدوش و ناقص بود. برای دستیابی به نمونه های پژوهش ابتدا با مراجعه به مراکز مشاوره شهر تهران پیرامون هدف و فرآیند انجام تحقیق و مجوزهای کسب شده، گفت و گویی صورت پذیرفت و سپس با کسب رضایت مندی از مدیریت مراکز مشاوره، این امکان فراهم گردید که در خصوص اجرای پرسشنامه ها با والدین مراجعه کننده به مراکز مشاوره مصاحبه اولیه ای انجام پذیرد و سپس افرادی که شرایط و ملاک های لازم برای ورود به پژوهش و نیز تمایل به شرکت در انجام پژوهش را داشتند، با کسب رضایت مندی و بیان حفظ محرمانه بودن اطلاعات از آنان خواسته شد که در روز و زمان و ساعت مشخص شده توسط مراکز مشاوره به منظور رعایت پروتکل های بهداشتی به دلیل شرایط اپیدمی کرونا در مراکز مشاوره حضور پیدا کنند و با دقت به سؤالات پرسشنامه های مذکور پاسخ دهند. لازم به ذکر است که پرسشنامه تمایز یافتگی توسط فرزندان پر شد و والدین نیز به پرسشنامه های ساختار شخصیت و نگرش های ناکارآمد پاسخ دادند. پس از جمع آوری پرسشنامه ها، سپس تعداد ۳۲ پرسشنامه که به صورت ناقص و بدون پاسخ و یا مخدوش بودند، کنار گذاشته شدند و در نهایت ۳۵۰ پرسشنامه به عنوان نمونه مورد مطالعه، در نرم افزار معادلات ساختاری SPSS نسخه ۲۶ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزار سنجش

فرم کوتاه پرسشنامه تمایز یافتگی خود^۲ (DSI-SH): این پرسشنامه توسط اسکورون و فریدلندر^۳ (۱۹۹۸) برای اندازه گیری تمایز یافتگی ساخته شد. این پرسشنامه شامل ۴۵ گویه است که با مقیاس لیکرت در یک طیف شش گزینه ای از «به هیچ وجه درباره من درست نیست» تا «کاملاً درباره من درست است» درجه بندی شده و دارای چهار خرده مقیاس واکنش پذیری هیجانی، جایگاه من، برش هیجانی و هم آمیختگی با دیگران است. پرسشنامه دارای سؤالات معکوس است. نمرات بالاتر در این پرسشنامه نشان دهنده سطح تمایز بالاتر است. پایایی باز آزمایی پرسشنامه توسط تدوین کنندگان با فاصله یک هفته بین ۰/۷۲ تا ۰/۸۵ گزارش شد. روایی ملاکی همزمان پرسشنامه با استفاده از رابطه آن با افسردگی، اضطراب حالت، اضطراب صفت، استرس و عزت نفس بررسی شد که همبستگی بین آنها از ۰/۴۰ تا ۰/۸۰ متغیر بود که نشان از روایی مطلوب پرسشنامه دارد (اسکورون، ۱۹۹۸). ویژگی های روان سنجی این مقیاس در ایران، توسط فخاری و همکاران (۱۳۹۳) مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که چهار عامل پیشنهادی سازنده مقیاس در فرهنگ ایرانی احراز

1. Dolz-Del-Castellar

2. Differentiation of Self Inventory-Short Form

3. Skowron & Friedlande

می‌شوند. در خصوص پایایی، ضرایب آلفای کرونباخ برای عامل جایگاه من، ۰/۶۷ عامل واکنش‌پذیری هیجانی، ۰/۴۸ عامل هم‌آمیختگی با دیگران ۰/۷۶ و عامل برش هیجانی ۰/۷۳ گزارش شد و روایی ملاکی هم‌زمان پرسشنامه با استفاده از رابطه آن با افسردگی، اضطراب و استرس از ۰/۵۰ تا ۰/۷۵ برآورد شد و ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۷۸ می‌باشد. در پژوهش حاضر میزان پایایی سیاهه تمایز یافتگی بر اساس ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳ و در خصوص هر یک از خرده‌مقیاس‌های به ترتیب واکنش‌پذیری هیجانی ۰/۸۵، جایگاه من ۰/۸۱، گسلش عاطفی ۰/۸۴ و هم‌آمیختگی با دیگران ۰/۸۳ به دست آمد.

سیاهه ساختار شخصیت^۱ (NEO-FFI): این پرسشنامه توسط کاستا و مک‌کری^۲ (۱۹۸۵) ساخته شده است. این سیاهه دارای ۶۰ سؤال می‌باشد که پنج جنبه از ساختار شخصیت را که شامل ویژگی‌های (روان‌نژندی یا نورزگرایی (N)، برون‌گرایی و درون‌گرایی (E)، تجربه‌پذیری و یا گشودگی به تجربیات جدید (O)، توافق‌پذیری یا همسازی (A) و وظیفه‌شناسی (C) می‌باشد را مشخص می‌سازد. در این سیاهه نمره‌گذاری بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت از (کاملاً مخالفم نمره ۴، مخالفم نمره ۳، بی‌تفاوت نمره ۲، موافقم نمره ۱ و کاملاً موافقم نمره ۰) انجام می‌شود. پایایی سیاهه ساختار شخصیت NEO-FFI توسط مک‌کری و کاستا (۱۹۸۳) بروی ۲۰۸ نفر از دانشجویان آمریکایی به فاصله سه ماه اجرا گردید که ضرایب بازآزمایی آن بین ۰/۸۳ تا ۰/۷۵ به دست آمده است. همچنین مک‌کری و کاستا (۱۹۸۵) همسانی درونی بین تمام خرده‌مقیاس‌ها را بالاتر از ۰/۸۰ گزارش کرد. همچنین روایی از طریق تحلیل عاملی اکتشافی هر ۵ خرده‌مقیاس بین ۰/۷۳ تا ۰/۸۱ گزارش شد. همچنین ضریب پایایی این سیاهه در خصوص هر کدام از زیرمقیاس‌های روان‌نژندی، برون‌گرایی و تجربه‌پذیری و یا گشودگی به تجربیات جدید، توافق‌پذیری یا همسازی و وظیفه‌شناسی بین ۰/۶۸ تا ۰/۸۳ گزارش شد. پایایی سیاهه ساختار شخصیت توسط گروسی فرشی (۱۳۸۰) بر اساس ضریب همبستگی پنج بعد اصلی روان‌آزردگی خوبی، برون‌گرایی، باز بودن، سازگاری و باوجدانی به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۷۳، ۰/۵۶، ۰/۶۸ و ۰/۸۷ به دست آمد. در پژوهش آتش افروز و عربان (۱۳۹۶) روایی این پرسشنامه با استفاده از روش تحلیل عامل تأییدی ۰/۷۳ گزارش شد. همچنین پایایی این پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای ۵ عامل آن بین ۰/۶۱ تا ۰/۸۴ به دست آمد. در پژوهش حاضر میزان پایایی پرسشنامه ساختار شخصیت بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۸۲ و در خصوص هر یک از خرده‌مقیاس‌ها به ترتیب روان‌نژندی ۰/۸۴، برون‌گرایی ۰/۷۹، تجربه‌پذیری ۰/۸۱، توافق‌پذیری ۰/۸۵ و وظیفه‌شناسی ۰/۸۳ به دست آمد.

مقیاس نگرش‌های ناکارآمد^۳ (DAS-26): مقیاس نگرش‌های ناکارآمد توسط وایزمن و بک^۴ (۱۹۷۸) تدوین و ساخته شده است. این مقیاس دارای ۲۶ سؤال می‌باشد و به منظور شناسایی عقاید و نگرش‌های منفی که زیربنای آشفتگی‌های روان‌شناختی است، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این مقیاس سؤالات مرتبط با ۴ خرده‌مقیاس موفقیت، کامل‌طلبی که شامل (۳-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۵-۲۳-۲۱-۱۷)، نیاز به تأیید دیگران (۱۸-۲۲-۲۴-۲۵)، نیاز به راضی کردن دیگران (۱-۲-۴-۱۴-۱۶)، آسیب‌پذیری، ارزشیابی عملکرد (۲۶-۲۰-۱۹-۱۳) می‌باشد. نحوه‌ی نمره‌گذاری در این پرسشنامه به ترتیب زیر می‌باشد: از کاملاً موافق = ۱، تا کاملاً مخالف = ۷. برای به دست آوردن نمره کلی آزمون کافی است نمره مربوط به هر ۴۰ سؤال را با هم جمع کنید. به عبارات پاسخ داده‌نشده، ۰ امتیاز تعلق می‌گیرد. در صورت پاسخ دادن آزمودنی به همه سؤالات نمرات در دامنه ۴۰ تا ۲۸۰ قرار می‌گیرد و نمرات پایین‌تر نشانه‌ی باورهای انطباقی بیشتر و تحریفات شناختی کمتر هستند. توجه شود که ماده‌های ۲، ۶، ۱۲، ۱۷، ۲۴، ۲۹، ۳۵، ۳۷ و ۴۰ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. وایزمن و بک (۱۹۷۸) میزان پایایی این ابزار را بر اساس آزمون آلفای کرونباخ بالای ۷۰ درصد گزارش کرد و روایی ملاکی هم‌زمان را به وسیله همبستگی با کل آزمون ۰/۴۵ گزارش کردند. در پژوهش ابراهیمی و موسوی (۱۳۹۲) میزان روایی محتوایی و صوری ابزار را ۰/۸۲ گزارش کرد و همچنین پایایی ابزار را بر اساس ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۲ گزارش کرده است. چیکوتا و استیلز^۵ (۲۰۰۴) پایایی ابزار را بر اساس ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۵ گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر میزان پایایی مقیاس نگرش‌های ناکارآمد بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۸۲ به دست آمد.

1. NEO Five-Factor Inventory

2. Costa & McCrae

3. Dysfunctional Attitude Scale

4. Weissman & Beck

5. Chioqueta & Stiles

یافته ها

یافته‌های به‌دست‌آمده بر اساس بررسی ویژگی جمعیت‌شناختی والدین نشان داد ۴۴ درصد از والدین پدران و ۵۶ درصد مادران بودند میانگین سنی در والدین ۳۸/۵۶ و انحراف معیار ۳/۷۹ بود. میانگین مدت تأهل والدین ۱۶/۴۷ و انحراف معیار ۲/۶۳ بود. میزان تحصیلات والدین، ۱۹/۴۳ دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۳۸/۷۹ درصد دارای تحصیلات دیپلم، ۳۲/۵۷ درصد دارای تحصیلات کارشناسی و ۹/۲۱ درصد دارای میزان تحصیلات کارشناسی ارشد بودند. میانگین سن فرزندان نیز ۱۹/۷۵ و انحراف معیار ۱/۵۲ بود. حداقل سن فرزندان ۱۶ سال و حداکثر ۲۴ سال بود. ۶۹ درصد از فرزندان دارای جنسیت دختر و ۳۱ درصد نیز جنسیت پسر داشتند. تمامی فرزندان مجرد بودند. ۴۷/۸۸ درصد از فرزندان محصل مقطع متوسطه دوم و ۴۹/۶۴ درصد دانشجوی کارشناسی و ۲/۴۸ درصد نیز دیپلم داشتند.

جدول ۱. نتایج شاخص‌های توصیفی و آزمون همبستگی پیرسون جهت بررسی رابطه متغیرها

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱- روان‌نژندی						
۲- برون‌گرایی	-۰/۴۲**					
۳- تجربه‌پذیری	-۰/۹۰**	۰/۴۲**				
۴- توافق‌پذیری	-۰/۴۳۰**	۰/۵۶**	۰/۴۴**			
۵- وظیفه‌شناسی	-۰/۵۵**	۰/۷۵**	۰/۵۳**	۰/۷۵**		
۶- نگرش ناکارآمد	-۰/۴۱**	-۰/۵۶**	۰/۴۱**	-۰/۵۲**	-۰/۶۵**	
۷- تمایز یافتگی	-۰/۷۷**	۰/۵۱**	۰/۳۹**	۰/۴۲**	۰/۳۵**	-۰/۳۴**
میانگین	۱۵/۲۸	۱۵/۱۸	۱۴/۱۴	۵۵/۸۵	۵۱/۰۶	۴۶/۷۲
انحراف معیار	۲/۹۲	۳/۳۸	۲/۸۸	۷/۸۳	۱۰/۶۶	۶۸/۹۹
کجی	۰/۰۰۴	۰/۱۲	۰/۲۱	۰/۳۵	-۰/۵۰	۰/۵۸
کشیدگی	-۰/۴۴	-۰/۶۷	-۰/۰۸	۰/۴۰	-۰/۲۹	۰/۳۵

در جدول ۱ آماره‌های توصیفی متغیرها و همبستگی بین متغیرها با آزمون همبستگی پیرسون آمده است. پیش از انجام تحلیل نهایی به غربالگری داده‌ها پرداخته شد و داده‌های پرت تک‌متغیره با نمودار جعبه‌ای و داده‌های پرت چندمتغیره با فاصله مایلانوبیس شناسایی و اصلاح شدند. در این پژوهش رابطه بین متغیرها با آزمون همبستگی پیرسون و مدل پژوهش با تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری آزمون شد. حداکثر سطح خطای آلفا جهت آزمون فرضیه‌ها، مقدار ۰/۰۵ تعیین شد. با توجه به اینکه شاخص کجی و کشیدگی به‌دست‌آمده برای متغیرهای پژوهش در جدول ۱ همگی در محدوده ۲+ تا ۲- قرار دارند، بنابراین شکل توزیع متغیرها در شرایط تقریباً نرمالی قرار دارند همچنین نتایج جدول ۱ نشان داد که ساختار شخصیت با تمایز یافتگی در فرزندان رابطه معناداری دارند ($P < 0/01$) و از سویی دیگر نیز نگرش‌های ناکارآمد با تمایز یافتگی فرزندان رابطه منفی و معناداری دارد ($P < 0/01$)، همچنین برای بررسی پیش‌فرض استقلال خطاها از آزمون دوربین - واتسون استفاده شد که مقدار آن ۱/۶۷ بود که در محدوده قابل قبول ۱/۵ تا ۲/۵ قرار داشت. همچنین از آماره تحمل و تورم واریانس برای بررسی عدم هم‌خطی میان متغیرهای پیش‌بین پژوهش استفاده شد که نتایج نشان داد آماره تحمل کمتر ۰/۱۰ و تورم واریانس بزرگ‌تر از ۱۰ برای متغیرهای پیش‌بین وجود ندارد که حاکی از رعایت پیش‌فرض عدم هم‌خطی میان متغیرها است.

جدول ۲. نتیجه تحلیل رگرسیون چندگانه و تحلیل واریانس سبک‌های فرزندپروری و ویژگی شخصیت در پیش‌بینی تمایز یافتگی فرزندان

شاخص‌ها	مجموع	درجه	میانگین	F	R	R2	sig
متغیرها	مجدورات	آزادی	مجدورات				
روان‌نژندی	۳۸۶۵/۶۹	۱	۳۸۶۵/۶۹	۱۳۶/۶۰	-۰/۷۷	۰/۵۹	۰/۰۰۱
باقیمانده	۹۸۷۸/۱۰	۳۴۹	۲۸/۳۰				
مجموع	۱۳۷۴۳/۷۹	۳۵۰					

۰/۰۰۱	۰/۲۶	۰/۵۱	۱۱۴/۸۵	۲۶۵۸/۸۴	۲	۵۳۱۷/۶۸	رگرسیون	برون‌گرایی
				۲۴/۲۱	۳۴۸	۸۴۲۶/۱۱	باقیمانده	
					۳۵۰	۱۳۷۴۳/۷۹	مجموع	
۰/۰۰۱	۰/۱۸	۰/۴۲	۹۳/۶۴	۱۹۹۸/۶۵	۳	۵۹۹۵/۹۶	رگرسیون	توافق‌پذیری
				۲۲/۳۲	۳۴۷	۷۷۴۷/۸۳	باقیمانده	
					۳۵۰	۱۳۷۴۳/۷۹	مجموع	
۰/۰۲۲	۰/۱۵	۰/۳۹	۷۵/۵۷	۱۶۳۶/۸۲	۴	۶۵۴۷/۲۹	رگرسیون	تجربه‌پذیری
				۲۱/۶۶	۳۴۶	۷۴۹۶/۵۰	باقیمانده	
					۳۵۰	۱۳۷۴۳/۷۹	مجموع	
۰/۰۴۱	۰/۱۲	۰/۳۵	۶۰/۱۳	۱۱۹۷/۷۴	۵	۵۹۸۸/۷۱	رگرسیون	وظیفه‌شناسی
				۱۹/۹۲	۳۴۵	۶۸۷۳/۳۶	باقیمانده	
					۳۵۰	۱۲۸۶۲/۰۷	مجموع	
۰/۰۴۱	۰/۱۲	-۰/۳۴	۴۴/۸۴	۱۲۵۶/۵۸	۶	۷۵۳۹/۵۲	رگرسیون	نگرش‌های ناکارآمد
				۲۸/۰۲	۳۴۴	۹۶۳۷/۴۸	باقیمانده	
					۳۵۰	۱۷۱۷۷	مجموع	

جهت بررسی ضریب همبستگی چندگانه میان متغیرها از تحلیل رگرسیون چندگانه با روش گام‌به‌گام استفاده شد. بدین‌منظور متغیر ساختار شخصیت روان‌نژندی والدین با داشتن بالاترین میزان همبستگی با متغیر ملاک در گام اول وارد معادله رگرسیون شد. سپس در ادامه متغیرهای برون‌گرایی، توافق‌پذیری، تجربه‌پذیری، وظیفه‌شناسی و نگرش‌های ناکارآمد به مدل اضافه شده که مقدار کل R برابر با ۰/۵۶۳ به دست آمده است، یعنی ۵۶/۳ درصد از واریانس تمایز یافتگی فرزندان را متغیرهای ساختار شخصیت والدین و نگرش‌های ناکارآمد باهم به‌طور مشترک تبیین می‌کنند. همین‌طور نتایج تحلیل واریانس (جدول ۳) حاکی از آن هستند که ضرایب همبستگی چندگانه بین متغیرها و به‌طور کلی رگرسیون متغیرهای پیش‌بین بر روی متغیر ملاک از نظر آماری معنی‌دار می‌باشد ($P < 0/01$).

جدول ۳. ضرایب رگرسیونی متغیرهای پیش‌بین در پیش‌بینی تمایز یافتگی فرزندان

متغیرها	ضرایب معیار نشده β	خطای معیار	ضرایب استاندارد شده β	t	سطح معناداری
مقدار ثابت	۴۷/۵۵	۲/۳۵		۲۰/۲۳	۰/۰۰۱
روان‌نژندی	-۰/۶۳۴	۰/۱۱۹	-۰/۲۲۶	-۵/۳۳	۰/۰۰۱
برون‌گرایی	۰/۶۸۴	۰/۱۰۴	۰/۲۵۴	۶/۶۰	۰/۰۰۱
توافق‌پذیری	۰/۲۳۶	۰/۰۴۹	۰/۱۷۴	۴/۷۹	۰/۰۰۱
تجربه‌پذیری	۰/۲۰۵	۰/۰۴۱	۰/۱۹۴	۵/۰۵	۰/۰۰۱
وظیفه‌شناسی	۰/۱۹۹	۰/۰۳۹	۰/۱۶۶	۴/۱۶	۰/۰۰۲
نگرش‌های ناکارآمد	-۰/۱۸۶	۰/۰۳۱	-۰/۱۵۹	-۳/۹۷	۰/۰۰۴

جهت تعیین اینکه کدام‌یک از متغیرها قابلیت پیش‌بینی‌کنندگی بیشتری برای متغیر ملاک یعنی تمایز یافتگی فرزندان دارند، ضرایب رگرسیون مورد بررسی قرار گرفته‌اند. همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، ضرایب β نشان از آن دارد که به ترتیب برون‌گرایی ($\beta = 0/254, t = 6/60, P < 0/001$) با بیشترین مقدار B و پس از آن روان‌نژندی ($\beta = -0/226, t = 5/33, P < 0/001$)، تجربه‌پذیری ($\beta = 0/194, t = 5/05, P < 0/001$)، توافق‌پذیری ($\beta = 0/174, t = 4/79, P < 0/001$)، وظیفه‌شناسی ($\beta = 0/166, t = 4/16, P < 0/002$) و نگرش‌های ناکارآمد ($\beta = -0/159, t = -3/97, P < 0/004$) به ترتیب قابلیت پیش‌بینی تمایز یافتگی فرزندان را دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی تمایز یافتگی فرزندان بر اساس ساختار شخصیت و نگرش‌های ناکارآمد در والدین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر تهران انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد تمایز یافتگی فرزندان بر اساس ساختار شخصیت والدین پیش‌بینی می‌شود. نتایج این یافته‌ها با یافته پژوهش آریایی و همکاران (۱۴۰۰)، بخشی زاده و همکاران (۱۳۹۸) و صفایی راد و همکاران (۱۳۹۸) همسو و همخوان است.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان این‌گونه بیان کرد که ساختار شخصیت هر یک از همسران می‌توانند تبیین‌گر بسیاری از ویژگی‌های روان‌شناختی ازجمله؛ تمایز یافتگی خود، انعطاف‌پذیری شناختی و صمیمیت در برقراری ارتباط بین افراد با دیگران باشد. شواهد فراوان نشان می‌دهد که همسران در جوامع امروزی برای برقراری و مدیریت هیجانات خود در روابط با همسرانشان با مشکلات فراگیر و متعددی مواجه هستند که وجود این‌گونه تعاملات در بروز عدم تمایز یافتگی فرزندان نقش بسزایی ایفا می‌کند (لامپیس، ۲۰۱۷). به لحاظ نظری خودمتمایزسازی پایین به مشکلاتی ازجمله نارضایتی در تعاملات و الگوهای ارتباطی ناسالم، مثلث‌سازی، درماندگی جسمانی و روانی، واکنش‌پذیری هیجانی، اضطراب مزمن و انتخاب همسر با سطح خودمتمایزسازی مشابه منجر می‌شود. به‌طور کلی نوع ساختار شخصیت و نحوه برقراری ارتباط افراد با یکدیگر در شرایط و پیامدهای مختلف زندگی در بروز تمایز یافتگی افراد تأثیر مهمی را ایجاد می‌سازد. بدیهی است هرگونه نقض در مدیریت تنظیم هیجانات توسط افراد در کنار عوامل متعدد دیگر، آثار نامطلوبی بر زندگی خانوادگی و تعاملات اعضا با یکدیگر برجای می‌گذارد (بخشی زاده و همکاران، ۱۳۹۸).

یافته دیگر پژوهش نشان داد تمایز یافتگی فرزندان بر اساس نگرش‌های ناکارآمد در والدین قابل پیش‌بینی است نتایج پژوهش حاضر با پژوهش تاندلر^۱ و همکاران (۲۰۲۱) و یوکسل و بهادیر بیلماز (۲۰۲۰)، همسو و همخوان است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان این‌گونه بیان کرد که نحوه نگرش افراد نسبت به قضایا، مسائل، مشکلات و حوادثی که با آن روبرو می‌شوند، سلامت جسم و روان آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بر همین اساس نوع دیدگاه و جهت‌گیری که در زندگی خود اتخاذ می‌کنند، باعث کاهش و یا افزایش افسردگی، اضطراب و استرس در خود و فرزندانیشان را ایجاد می‌سازند که این عامل بر میزان تمایز یافتگی فرزندان نقش بسزایی ایفا می‌کند. بسیاری از عملکردها و اقدامات والدین بر مبنای نوع اعتقادات، نگرش‌ها، ارزش‌ها و طرز تفکرات، باورها در قالب الگوهای خانوادگی بر اساس شیوه تمایز یافتگی آموخته‌شده و مورد آموزش به فرزندان درونی شده است. بسیاری از این عوامل مؤثر در شکل‌گیری تمایز یافتگی افراد ناشی از شرایط محیط جامعه و فرهنگ غالب در درون خانواده نشئت می‌گیرد (بخشی زاده و همکاران، ۱۳۹۸). ساختار شخصیت والدین با نگرش‌های ناکارآمد پیش‌بینی‌کننده بسیار قوی در تمایز یافتگی فرزندان است (نارایانان و سریرام^۲، ۲۰۲۳). بنابراین می‌توان در یک بررسی اجمالی بدین‌گونه مطالب را تبیین نمود که خانواده‌های ناکارآمد به دلیل تعارضات زناشویی بالا در تعاملات درونی و نیز فرزندان با توجه به نوع ساختار شخصیت والدین و نگرش‌های ناکارآمد موجبات عملکرد نامناسب در فرزندان را به‌گونه‌ای خاص با مشکلات مواجه می‌سازد، ازجمله این مشکلات وجود گفت‌و شنود محدود بین اعضاء خانواده با یکدیگر که مبتنی بر نوع ساختار شخصیت و نگرش‌های ناکارآمد عدم تمایز یافتگی فرزندان را در حیطه‌های مختلف ازجمله واکنش‌پذیری هیجانی، جایگاه من، گسلش عاطفی و هم‌آمیختگی با دیگران، به شیوه‌ای منفی ایجاد می‌سازد. خانواده‌های سالم این امکان را مهیا می‌کنند تا زمینه و شرایط مطلوبی برای تأمین و اجابت احساس‌ها و نیازهای فرزندان و دیگر اعضاء خانواده به‌درستی فراهم شود و موجبات تسهیل ابراز خود، افکار و احساسات بر بهبود سطح تمایز یافتگی فرزندان فراهم آید (دلز-دل-کاستلار و همکاران، ۲۰۲۱). ازاین‌رو به نظر می‌رسد از یکسو عدم تمایز یافتگی فرزندان و از سوی دیگر نوع ساختار شخصیت والدین و وجود عامل نگرش‌های ناکارآمد می‌تواند به یقین، درک و فهم صحیح والدین را در زمینه احساس‌ها و نیازهای اعضاء خانواده کاهش داده و سطح عملکرد و رضایتمندی آن‌ها را در تعاملات بین فردی در زندگی پایین آورد؛ تا جایی که والدین در ارضای نیازهای فرزندان خود و یکدیگر ناتوان شده و این موارد می‌تواند به‌عنوان عاملی در عدم تمایز یافتگی فرزندان را ایجاد کرده و باعث مشکلات عدیده دیگری در زندگی فرزندان در تعاملات اجتماعی آنان گردد (فیلپس^۳ و همکاران، ۲۰۱۸). افزایش روزافزون مشکلات ارتباطی زناشویی خطر بروز جدایی و اثر منفی آن بر روابط همسران و فرزندان، می‌شود (فلینک^۴ و همکاران، ۲۰۱۸؛ فاستینو^۵، ۲۰۱۹).

1. Tandler

2. Narayanan & Sriram

3. Phelps

4. Flink

5. Faustino

به صورت کلی می‌توان گفت نتایج پژوهش نشان داد که تمایز یافتگی فرزندان بر اساس ساختار شخصیت و نگرش‌های ناکارآمد فرزندان قابل پیش‌بینی است. با توجه به اهمیت نقش ساختار شخصیت والدین و نگرش‌های ناکارآمد آنان در تمایز یافتگی فرزندان می‌توان به کاربردهای احتمالی و آموزش این دو بستر زمینه‌ساز در فضای زندگی زناشویی تأکید داشت. این سه عامل با ارتقای تعاملات زوجین و تسلط بر زندگی مشترک، تمایز یافتگی فرزندان را افزایش داده و متعاقباً از بروز مشکلات آتی پیشگیری به عمل خواهد آورد. افزون بر این، ساختار شخصیت و اهمیت آن می‌تواند سایر کارکردهای خانواده مانند تربیت فرزندان، سرزندگی اجتماعی و موفقیت‌های فردی را رقم بزند. پژوهش حاضر خالی از محدودیت نبوده است. محدودیت نخست این مطالعه استفاده از روش خودگزارشی و کاربرد پرسشنامه می‌باشد. محدودیت دیگر این پژوهش مربوط به قلمرو مکانی و زمانی مطالعه است لذا نمی‌توان یافته‌های آن را به والدین سایر شهرها و نهادهای دیگر تعمیم داد. محدودیت دیگر این پژوهش مربوط به روش پژوهشی است. در این مطالعه به بررسی روابط علی و همچنین همبستگی بین متغیرها پرداخته شد اما به دست آوردن این یافته‌ها با استفاده از سایر روش‌های پژوهش مانند مداخلات روان‌شناختی می‌تواند مورد ملاحظه قرار گیرد. در این پژوهش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد و احتمالاً تعمیم نتایج را با مشکل مواجه می‌کند. با توجه به این‌که این پژوهش به صورت همبستگی اجرا شده است، لذا جهت کسب نتایج دقیق‌تر پیشنهاد می‌شود ارتباط این متغیرها با بهره‌گیری از سایر روش‌ها نیز اجرا شوند. به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که در آینده مطالعاتی را طرح‌ریزی کنند که نقش ساختار شخصیت و نگرش‌های ناکارآمد و تمایز یافتگی فرزندان در کنار متغیرهای مختلف دیگر مانند حساسیت به طرد، انزوا، شفقت به خود، رضایت زناشویی، سازگاری زناشویی و ... مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

- ابراهیمی، ا. و موسوی، س. غ. (۱۳۹۲). تهیه و اعتبار یابی نسخه ۲۶ گویه‌ای مقیاس نگرش‌های ناکارآمد (-۲۶DAS) (ساختار عاملی، پایایی و روایی) در بیماران سرپایی روانپزشکی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی ایلام*، ۲۱(۵)، ۲۸-۳۰. <http://sjimu.medilam.ac.ir/article-1-210-fa.html>
- آتش افروز، ع. و عربان، ش. (۱۳۹۶). رابطه علی بین صفات شخصیتی و عملکرد تحصیلی با میانجی‌گری راهبردهای مطالعه در دانشجویان. *دست‌آوردهای روان‌شناختی*، ۲۴(۱)، ۷۸-۹۸. https://psychac.scu.ac.ir/article_13168.html
- آریایی آذر، ا.، صادقی، م. و موتایی، ف. (۱۴۰۰). بررسی تمایز یافتگی زوجین از خانواده اصلی و نقش آن در پیش‌بینی الگوهای ارتباطی و رضایت زناشویی در قومیت‌های مختلف ایران. *خانواده‌پژوهی*، ۱۷(۳)، ۳۶۸-۳۵۲. https://jfr.sbu.ac.ir/article_101852.html
- بخشی زاده، ف.، سامانی، س.، خیر، م. و سهرابی، ن. (۱۳۹۸). آزمون مدل علی تمایز یافتگی و رضایت زناشویی. *زن و جامعه*، ۱۰(۳)، ۴۶-۳۱. https://jzv.marvdasht.iau.ir/article_3664.html
- رشیدی، ف.، منیرپور، ن. و دوکانه ای فرد، ف. (۱۴۰۰). مدل طلاق عاطفی بر اساس تمایز یافتگی با نقش میانجی ساختار شخصیت و سبک‌های دلبستگی. *سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*، ۵(۲)، ۱۳۶-۱۵۱. <https://islamiclifej.com/article-1-928-fa.html>
- صفائی راد، ا.، لواسانی، م. و غلامعلی، ا. (۱۳۹۸). بررسی الگوی ساختاری رابطه ویژگی‌های شخصیتی و خلاقیت با میانجی‌گری رضایت زناشویی، سازش یافتگی اجتماعی و سلامت روان. *سلامت روان کودک*، ۱(۶)، ۲۲۳-۲۳۸. <http://childmentalhealth.ir/article-1-287-fa.html>
- فخاری، ن.، لطیفیان، م. و اعتماد، ج. (۱۳۹۳). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی فرم کوتاه پرسشنامه تمایز یافتگی خود در دانشجویان ایرانی. *اندازه‌گیری تربیتی*، ۱۵(۵)، ۵۷-۳۵. https://jem.atu.ac.ir/article_268.html
- فراقی دستجرد، ب.، شریفی درامدی، پ. و فرخی، ن. (۱۳۹۹). اثربخشی برنامه آموزشی مبتنی بر پذیرش و تعهد بر افسردگی و نگرش ناکارآمد مادران دارای کودک مبتلا به اختلال نارسایی توجه/بیش‌فعالی. *مجله دانشکده پزشکی*، ۶۳، ۱۳۶-۱۲۶. https://mjms.mums.ac.ir/article_19487.html
- گروسی فرشی، م. (۱۳۸۰). رویکردی نوین در شخصیت (کاربرد تحلیل عاملی در مطالعات شخصیت). تبریز: نشر دانیال، جامعه پژوه.
- Adam, F., De Sutter, P., Day, J., & Grimm, E. (2020). A Randomized Study Comparing Video-Based Mindfulness-Based Cognitive Therapy With Video-Based Traditional Cognitive Behavioral Therapy in a Sample of Women Struggling to Achieve Orgasm. *The journal of sexual medicine*, 17(2), 312-324. <https://doi.org/10.1016/j.jsxm.2019.10.022>
- Bowen, M. (1978). *Family treatment in clinical practice*. New York: JasonAronson.
- Cepukiene, V. (2021). Adults' psychosocial functioning through the lens of Bowen theory: The role of interparental relationship quality, attachment to parents, differentiation of self, and satisfaction with couple relationship. *Journal of Adult Development*, 28(1), 50-63. <https://doi.org/10.1007/s10804-020-09351-3>
- Chioqueta, A. P., & Stiles, T. C. (2004). Psychometric properties of the Norwegian version of the Dysfunctional Attitude Scale (Form A). *Cognitive behaviour therapy*, 33(2), 83-86. <https://doi.org/10.1080/16506070410023951>

- Chis, R. M. (2022). A critical review of the literature on the relationships between personality variables, parenting and marital satisfaction. *Postmodern Openings*, 13(1), 17-46. <https://doi.org/10.18662/po/13.1/383>
- Costa, P. T., & McCrae, R. R. (1985). *The NEO Personality Inventory manual*. Odessa, FL: Psychological Assessment Resources.
- Dolz-Del-Castellar, B., & Oliver, J. (2021). Relationship between family functioning, differentiation of self and anxiety in Spanish young adults. *PloS one*, 16(3), e0246875. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0246875>
- Faustino, B., & Vasco, A. B. (2019). Early maladaptive schemas and cognitive fusion on the regulation of psychological needs. *Journal of Contemporary Psychotherapy*, 50, 105-112. <https://doi.org/10.1007/s10879-019-09446-3>
- Flink, N., Honkalampi, K., Lehto, S. M., Leppänen, V., Viinamäki, H., & Lindeman, S. (2018). Comparison of early maladaptive schemas between borderline personality disorder and chronic depression. *Clinical Psychology & Psychotherapy*, 25(4), 532-539. <https://doi.org/10.1002/cpp.2188>
- Jonason, P. K., & Sherman, R. A. (2020). Personality and the perception of situations: Big Five and Dark Triad traits. *Personality and Individual Differences*, 163, 110081. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2020.110081>
- Kirbaş, Z.Ö., Bayraktar, B. & Aktaş, E.O. (2024). Salivary apelin hormone response and dysfunctional attitudes in adolescents in Türkiye: a relational screening model. *BMC Psychol* 12(64), 1-9. <https://doi.org/10.1186/s40359-024-01551-w>
- Kuroda, Y. (2017). The Relationship Between Perceived Parenting, Negative Core Beliefs, and Dysfunctional Attitudes Among Young Adults. *The Journal of Psychology*, 151(8), 739–751. <https://doi.org/10.1080/00223980.2017.1393376>
- Li, D., & Guo, X. (2023). The effect of the time parents spend with children on children's well-being. *Frontiers in psychology*, 14, 1096128. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2023.1096128>
- Liu, Y.-L. (2003). The mediators between parenting and adolescent depressive symptoms: Dysfunctional attitudes and self-worth. *International Journal of Psychology*, 38(2), 91-100. <https://scholar.nycu.edu.tw/en/publications/the-mediators-between-parenting-and-adolescent-depressive-symptom>
- Narayanan, M., & Sriram, S. (2023). An Exploration of Differentiation of Self in Indian Youth. *Hu Arenas*, 1(16), 1-34. <https://doi.org/10.1007/s42087-023-00335-9>
- Peleg, O., & Boniel-Nissim, M. (2024). Exploring the personality and relationship factors that mediate the connection between differentiation of self and phubbing. *Sci Rep*, 14, 6572. <https://doi.org/10.1038/s41598-024-55560-1>
- Phelps, C. L., Paniagua, S. M., Willcockson, I. U., & Potter, J. S. (2018). The relationship between self-compassion and the risk for substance use disorder. *Drug and alcohol dependence*, 183, 78–81. <https://doi.org/10.1016/j.drugalcdep.2017.10.026>
- Rash, J. A., Kavanagh, V. A. J., & Garland, S. N. (2019). A Meta-Analysis of Mindfulness-Based Therapies for Insomnia and Sleep Disturbance: Moving Towards Processes of Change. *Sleep medicine clinics*, 14(2), 209–233. <https://doi.org/10.1016/j.jsmc.2019.01.004>
- Rossi, G., & Diaz-Batanero, C. (2023). Differentiation of Self and Interpersonal Functioning with the Level of Personality Functioning Scale - Brief Form 2.0. *Journal of personality assessment*, 1–12. Advance online publication. <https://doi.org/10.1080/00223891.2023.2218931>
- Salerno, A., Tosto, M., Raciti, I., & Merenda, A. (2024). Self-differentiation and parenting stress in adolescent mothers. An exploratory study. *Frontiers in Developmental Psychology*, 2, 1306427. <https://doi.org/10.3389/fdpys.2024.1306427>
- Skowron, E.A., & Friedlander, M. L. (1998). The Differentiation of Self Inventory: Development and initial validation. *J Counsel Psychol*, 45(3), 235-246. <https://doi.org/10.1037/0022-0167.45.3.235>
- Tandler, N., Krüger, M., & Petersen, L.-E. (2021). Better battles by a self-compassionate partner? Themediating role of personal conflictresolutionstylesin association between self-compassion and satisfaction in romantic relationships. *Journal of Individual Differences*, 42(2), 91-98. <https://doi.org/10.1027/1614-0001/a000333>
- Uhlich, M., Nouri, N., Jensen, R., Meuwly, N., & Schoebi, D. (2022). Associations of conflict frequency and sexual satisfaction with weekly relationship satisfaction in Iranian couples. *Journal of family psychology : JFP : journal of the Division of Family Psychology of the American Psychological Association (Division 43)*, 36(1), 140–146. <https://doi.org/10.1037/fam0000878>
- Watson, D., & Clark, L. A. (2020). Personality traits as an organizing framework for personality pathology. *Personality and mental health*, 14(1), 51–75. <https://doi.org/10.1002/pmh.1458>
- Weissman, A. N., & Beck, A. T. (1978). Development and validation of the dysfunctional attitude scale: A preliminary investigation. *Annual Meeting of the American Educational Research Association*, Toronto.
- Yu, Y., Wu, D., Wang, J. M., Wang, Y. C. (2020). Dark personality, marital quality, and marital instability of Chinese couples: An actor-partner interdependence mediation model. *Personality and Individual Differences*, 154, 109689. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2019.109689>
- Yüksel, A., & Bahadır Yılmaz, E. (2020). The effects of group mindfulness-based cognitive therapy in nursing students: A quasi-experimental study. *Nurse education today*, 85, 104268. <https://doi.org/10.1016/j.nedt.2019.104268>

